

## افریقای شرقی: دیپلوماسی و مبارزه جویی

نوشته هانری موانزی

ویسمان را برای مقابله با آنها گسیل داشتند. او در آوریل ۱۸۸۹ به زنگبار رسید و به ابوشیری که در قلعه خویش در نزدیکی با - کامویو بود حمله کرد و او را عقب راند. ابوشیری به اوزیگوا واقع در شمال گریخت اما در آنجا او را لو داده تحویل آلمانها دادند و آنها در ۱۵ دسامبر ۱۸۸۹ او را به دار آویختند.

مقاومت ساحل نشینان سرانجام با بمباران کردن کلوه و تسخیر آن به دست آلمانها در ماه مه ۱۸۹۰ به پایان رسید.

آلمانها نیز همچون انگلیسیها در کنیا با هنر تفرقه بینداز و حکومت کن آشنا بودند و این کار را از طریق متحد شدن با یک گروه

راه آهن یکی از مهمترین وسایل استعمار بود زیرا فتوحات نظامی را تسهیل می کرد، به برقراری کنترل سیاسی کمک می رساند و مستعمره ها را به منطقه ای برای صدور مواد خام به اروپا و یا به صورت مناطقی صنعتی تبدیل می کرد. راه آهن اوگاندا، که توسط انگلیسیها ساخته شد و مناطق داخلی اوگاندا و کنیا را به ساحل متصل می ساخت، در سال ۱۹۰۱ به حوضه دریای ویکتوریا رسید.

راه آهن تانگانیکا که توسط آلمانها ساخته شد، در اوایل دهه ۱۸۹۰ در تانگا آغاز شد و در ۱۹۰۵ به کوهپایه های اوسمیرا رسید. تصویر زیر گروهی از کارگران راه آهن اوگاندا را در حال تغییر مکان نشان می دهد.

گرد آمدند. ساحل تانگانیکا همچون کنیا تحت نفوذ فرهنگ اسلامی سواحل بود. جمعیت این ناحیه مخلوطی از اعراب و افریقاییان بودند که با آزادی تمام بایکدیگر ازدواج می کردند و تجارت محلی را در دست داشتند.

در قرن نوزدهم اعراب ساحلی به خاطر بازار موجود برای عاج و برده فعالیت خویش را در مناطق داخلی پشت ساحل افزایش دادند. نتیجه این ازدیاد تجارت پیدایش شهرهای بسیار در طول ساحل بود. ورود آلمانها این تجارت را مورد تهدید قرار داد، زیرا آنها می خواستند خود آن را به دست گیرند. اهالی بومی و بخصوص اعراب با این امر مخالف بودند و به منظور مقابله با آن متشکل شدند.

ابوشیری، رهبر مذکور، در ۱۸۴۵ از پدری عرب و مادری افریقایی متولد شد. او از بازماندگان اولین ساحل نشینانی بود که خود را بومیان آن منطقه به حساب می آوردند. او نیز همچون بسیاری دیگر با نفوذ سلطان نشین زنگبار در ساحل مخالف بود و حتی از استقلال کامل هواداری می کرد. در جوانی بارها برای تجارت عاج به مناطق داخلی سرزمین رفته بود. از درآمد حاصل از تجارت مزرعه ای خرید و در آن به کشت نیشکر پرداخت.

در سپتامبر ۱۸۸۸ ساکنان ساحل تحت رهبری او به سوی یک کشتی جنگی آلمانی در تانگا آتش گشودند و دو روز به آلمانها مهلت دادند تا ساحل را ترک کنند. آنها سپس به کلوه حمله کردند و دو آلمانی را در آنجا کشتند و در ۲۲ سپتامبر نیز ۸۰۰۰ نفر از آنان به باگامویو حمله کردند. اما آلمانها که این امر را «شورش اعراب» نام نهادند هر من فون -

تلاش در جهت استعمار افریقای شرقی همچون چنگالی سه شاخه مرکب از سه قدرت رقیب بود: سلطان نشین زنگبار، آلمان و بریتانیا. اولین گروه حاضر در صحنه عربها بودند که از زنگبار دست به عمل زدند. منافع آنها چه در ساحل و چه در داخل منطقه عمدتاً بر بنیاد تجارت برده مو عاج بود. قبل از دهه ۱۸۸۰ و دهه ۱۸۹۰، این اعراب و تاجران سواحل تنها به اینکه در ساحل به فعالیت پردازند قانع بودند. اما در سالهای آخر قرن، منافع اعراب در نواحی داخلی افریقای شرقی بتدریج مورد تهدید منافع آلمان و بریتانیا، که در حال نفوذ به منطقه بودند، قرار گرفت. در برابر این امر، اعراب کوشیدند به منظور حفظ امتیازات خویش کنترل سیاسی بعضی نواحی را به دست گیرند.

اروپاییان قسمتهای داخلی افریقای شرقی شامل تاجرها و مبلغان مسیحی بودند که تماماً می خواستند ناحیه به اشغال دولت خودشان در آید تا امنیت و همچنین آزادی تجارت و سرمایه گذاری برای آنان فراهم گردد.

روش پیشروی اروپاییان از جایی به جای دیگر فرق می کرد. اما ویژگی آن در مجموع عبارت از به کار گرفتن زور و، در مواقع ممکن، همراه کردن زور با دیپلماسی به صورت اتحاد با یک گروه علیه گروهی دیگر بود. واکنش افریقاییان در برابر این امر، هم نظامی و هم دیپلماتیک بود، اگر چه گاهگاه عقب نشینی عدم همکاری و مقاومت منفی نیز در کار می آمد.

ساحل نشینان تانگانیکا برای مقابله با اروپاییان، حول شخص ابوشیری به عنوان رهبر

هانری موانزی، اهل کنیا، دانشیار تاریخ در دانشگاه نایروبی و متخصص تاریخ افریقای شرقی است که صاحب تعدادی مقاله و تحقیق در این زمینه می باشد.



رئیس ابوشیری، رهبر  
ساحل‌نشینان تانگانیکا  
در مبارزه علیه اشغال  
استعمارگرانه آلمان.



علیه گروه دیگر انجام می‌دادند. این امر بارها تکرار شد. از جمله قبایلی که وجود آلمانها را برای شکست دادن دشمنان خود مقتسم شمردند و با آنها طرح دوستی ریختند ماریالیها و کیانگانیهای حوالی کوههای کلیمانجارو و اوسمرا در تانگانیکا بودند. این مردم همچون سایرین و از جمله وانگاها در کنیا تصور می-

کردند که دارند از آلمانها به نفع خویش سود می‌جویند غافل از اینکه در همان زمان به نحوی بسیار شدیدتر مورد استفاده آلمانها قرار داشتند. اعراب ساحل‌نشین همانطور که در کنیا در خدمت انگلیسیها بودند به آلمانها نیز خدمت کردند به طوری که اولین پرسنل محلی بودند که امپریالیسم آنها را به خدمت گرفت.

نظیر همین واکنش در اوگاندا نسبت به استعمارگری انگلیس پیش آمد. سالهای میان ۱۸۹۱ و ۱۸۹۹ با برخورد میان قوای کابارگا، پادشاه بونیورو، و نیروهای لوگارد و سایر مأموران بریتانیایی مواجه شد. پس از چند برخورد که نیروهای کابارگا در آن شکست خوردند، کابارگا به دیپلماسی روی آورد. او دوبار کوشید تا با لوگارد پیمان دوستی بنهد، اما لوگارد به این زستپا واقعی ننهاد. موانگا، حاکم بوگاندا، بارها کوشید به نفع پادشاه بونیورو وساطت کند اما موفق نشد. سرانجام کابارگا به جنگ چریکی، که احتمالاً اولین بار این نوع جنگ در آفریقای شرقی بود، متوسل شد. او از بونیورو عقب نشست و به ناحیه لانگو واقع در شمال رفت و از آنجا گاه و بیگاه نیروهای انگلیسی را مورد حمله قرار می‌داد.

یکی از افسران انگلیسی به نام ترستن که در آن زمان بونیورو را در اشغال داشت گفته است: «کابارگا به همان حیلۀ همیشگی خویش دست زد، بدین معنا که تمام انواع صدمات ممکن را وارد ساخت، اما هرگز در یک جنگ زو در رو حاضر نشد و به همان شیوۀ مطلوب خویش یعنی ترور ادامه داد. کابارگا موجب مسموم شدن و به هلاکت رسیدن یکی از رؤسای قبایل دوست شد، اما من مسموم کننده را کشتیم.» ترستن در اینجا به یک تاکتیک چریکی اشاره می‌کند که عبارت است از عقب‌نشینی به سرزمین مجاور و زیر حمله گرفتن حریف در سرزمین اشغالی خویش. کابارگا بعداً در لانگو با موانگا متحد شد اما در سال ۱۸۹۹ مخفیگاه آنها درهم کوبیده شد و هر دو پادشاه دستگیر و به کیسیمایو منتقل شدند و موانگا در سال ۱۹۰۳ در آنجا درگذشت.

■ هانری موانزی



Photo © The Royal Commonwealth Society, London

موانگا، شاه بوگاندا (سمت چپ) و کابارگا، شاه بونیورو پس از دستگیری توسط انگلیسیها در ۱۸۹۹ تحت‌الحفظ به ساحل برده می‌شوند. کابارگا به سیشل و موانگا به کیسیمایو تبعید شدند که موانگا در ۱۹۰۳ درگذشت. هر دو آنها در برابر استعمار انگلیسی مقاومت کردند و در این کار از شیوه‌های گوناگون دیپلماسی، رویارویی مستقیم، و جنگ چریکی سود جستند.